خبرها

کنفرانس میراث جهانی آغاز شد

شرق: سی امین کنفرانس میراث جهانی یونسکو با حضور ۳۰ کشور و نامزدی ۳۷ سایت تاریخی از روز گذشته در ویلنیوس پایتخت لیتوانی آغاز به کار کرد. در کنفرانس امسال ۲۷ سایت فرهنگی، هشت سایت طبیعی، در سایت طبیعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می گیرد. از میان این آثار ۱۴ اثر ثبت جهانی می شود. به گفته کارشناسان یونسکو ثبت این ۱۴ اثر به معنی نامناسب بودن وضعیت دیگر آثار نیست، بلکه آثار باقی مانده باید اطلاعات سایت خود را تکمیل کنند. یکی از آثار مهم به اعتقاد کارشناسان سایت تاریخی، باستانی بیستون است که بیش از یک هزار سال قدمت دارد و از جمله آثار قدیمی تاریخی این دوره است. میراث جهانی یونسکو در سال ۱۹۷۲ آغاز به کار کرد. در حال حاضر ۸۱۲ اثر تاریخی از اهرام ثلاثه مصر تا دیوار چین در این فهرست به ثبت رسیده‌اند. در اجلاس امسال که تا ۱۶ جولای ادامه خواهد داشت ۳۴ اثر در فهرست خطر نیز مطرح می شوند که آثاری از کشورهای افغانستان، آلمان و کنگو نیز در این لیست قرار گرفته است.

قاتل فراری به دام افتاد

شرق: مردی که در شهرستان اهر مرتکب قتل شده بود، پس از دو ماه و نیم فرار در تهران دستگیر شد. اردیبهشت ماه امسال ماموران شهرستان اهر جسد مرد میانسالی را پیدا کردند که با ضربه های چاقو به قتل رسیده بود. ماموران در ادامه متوجه شدند که قاتل، علی اکبر نام دارد و بعد از قتل از اهر خارج شده است. به همین خاطر عکس و مشخصات او برای دستگیری در اختیار پلیس کشور قرار گرفت. سرانجام پس از گذشت دو ماه و نیم از ارتکاب قتل، مخفیگاه قاتل فراری در خیابان نامجو شناسایی شد. ماموران ظهر دیروز علی اکبر را دستگیر کردند. وی بعد از دستگیری اعتراف کرد که به خاطر اختلافاتی دوستش را با ضربه های چاقو به قتل رسانده و پس از جنایت از اهر فرار کرده و به تهران آمده است. متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران آگاهی اهر قرار گرفت.

متهم به قتل در دادگاه: قتل کردم اما در حالت عادی نبودم

شرق: مردی که متهم است برای سرقت از خانه کارگر ساختمان، با ورود به اتاق او کارگر را به قتل رسانده در جلسه محاکمه گفت به دلیل استفاده از مشروبات الکلی در حالت عادی نبوده است. امیر ۲۱ساله متهم است که یک کارگر ساختمانی به نام محمد را در پانزدهم اردیبهشت پارسال با ضربات چاقو در خانه اش به قتل رسانده است. در یکی از خیابان های پردیسان پلیس هنگامی که ساعت از یازده شب گذشته بود، مردی را دید که می دوید. آنها به مرد جوان مشکوک شدند و او را متوقف کردند. او حالتی مضطرب داشت و ظن پلیس بیشتر شد. با بازداشت امیر، او سرانجام اعتراف کرد که همان شب برای سرقت به خانه محمد کارگر یک ساختمان رفته بود. امیر مدتی پیش از یکی از دوستانش شنیده بود که محمد مقدار زیادی پول در منزل نگهداری می کند. آن شب برای سرقت پول ها به آنجا رفته بود که محمد متوجه موضوع شد. عارف دوست محمد هم از راه رسید. امیر چاقویی به همراه داشت و وقتی با محمد درگیر شد چاقو را درآورده و با ضربات چاقو به او حمله کرد. عارف که سعی داشت از محمد دفاع کند با امیر درگیر شد و امیر با ضربات چاقو او را هم مجروح کرد. آن شب امیر از خانه محمد تنها موفق شده بود ده هزار تومان پول نقد پیدا کند در حالی که یک نفر را به قتل رسانده و شخص دیگری را هم مجروح کرده بود. با اعترافات امیر و تکمیل تحقیقات او صبح دیروز در جلسه محاکمه در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران در دفاع از خود اتهام قتل را پذیرفت اما اعلام کرد که در هنگام دعوا و درگیری به دلیل مصرف مشروبات الکلی حالت طبیعی نداشته است. وکیل مدافع متهم در دفاع از او موضوع شرب خمر را مطرح کرد و با بیان اینکه موکلم برای قتل مست نکرده بود، به ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که در آن آمده است قتل در حالت مستی موجب قصاص است مگر آنکه ثابت شود در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد. وکیل مدافع متهم علاوه بر دفاعیات اعلام کرد که متهم، توانایی پرداخت دیه را به اولیای دم دارد. قضات پس از استماع دفاعیات متهم و وکیل مدافع او پایان محاکمه را اعلام کردند تا پس از شور رای قانونی را صادر کنند.

ادامه سرمقاله

۴- در برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی با اتخاذ الگوی جدید (بازار- دولت) تولید حداکثر کالای عمومی برعهده دولت و تولید حداکثر کالای خصوصی برعهده سازوکار «بازار» قرار می گیرد. در دوران گذار و متناسب با شرایط، «دولت» باید از میزان مداخله خود به نفع مشارکت حداکثری مردم و سازوکارهای «بازار» بکاهد.

۵- براساس بندهای سه گانه سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نقش دولت در اقتصاد ملی مورد بازنگری جدی قرار گرفته به گونه‌ای که مداخله دولت حتی در صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری آن هم به تشخیص فرماندهی کل قوا محدود شده است. در صورت اجرایی شدن سیاست ها و راهبردهای جدید- که البته با رفتار سیاستی دولت نهم در یک سال گذشته محل تردید جدی است- یکی از الزامات اساسی حرکت به سوی چشم انداز ۲۰ ساله کشور و تامین کننده رشد اقتصادی سالانه ۸ درصدی برای دولت نهم فراهم شده که دولت های گذشته از آن محروم بودند. اما آنچه مهم است دستیابی به جایگاه شایسته ایران در اقتصاد جهانی و ارتقای استاندارد سطح زندگی مردم است.

۶- به باور نگارنده سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که با تدبیر رهبری و اقدام مجمع تشخیص مصلحت نظام و کارشناسی های دولت خاتمی صورت پذیرفته، می توان بستر لازم را برای تحرک جدی رشد و توسعه کشور برای دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور فراهم آورد.

۷- با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ و حمایت و پشتیبانی همه جانبه رهبری و با وجود هماهنگی کامل قوای سه گانه و همراهی رسانه ملی و درآمدهای نفتی بهانه‌ای برای عدم تحقق رشد و توسعه و اجرای عدالت اجتماعی باقی نمی ماند.

با رقابت میان روزنامه نگاران

انتخابات هیات مدیره انجمن صنفی فردا برگزار می شود

گروه اجتماعی: چهارمین دوره انتخابات اعضای هیات مدیره و بازرسان انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران فردا (۱۹ تیرماه) برگزار می شود. این انتخابات در مجمع عمومی عادی سالیانه ای که متشکل از اعضای انجمن صنفی است برگزار خواهد شد. برای اینکه مجمع عمومی عادی فردا رسمیت داشته باشد باید تعداد حاضران از نصف به علاوه یک نفر تعداد اعضای انجمن صنفی بیشتر باشد. با این حال برخی از روزنامه نگاران پیش بینی می کنند فردا تعدادی کمتر از حد نصاب که حدود ۹۰۰ عضو است در انجمن صنفی حاضر شوند. اگر این اتفاق بیفتد مجمع عمومی عادی دیگری باید ۱۵ روز بعد برگزار شود و آن مجمع با حضور یک سوم اعضای دارای حق رای انجمن صنفی رسمیت پیدا خواهد کرد.

■ اعضایی با حق رای و بدون حق رای

همه نویسندگان، خبرنگاران، عکاسان، گرافیست ها، طراحان و کاریکاتوریست ها می توانند عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران شوند. البته آنها باید ۱۰ شرط داشته باشند که مهمترین آنها عبارتند از: متدین به یکی از ادیان رسمی کشور، داشتن حداقل سه سال سابقه کار در مطبوعات کشور و ۱۸ سال سن تمام و نداشتن پیشینه کیفری که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. البته یکی دیگر از شروط مورد نیاز اعضا پرداخت ورودیه و حق عضویت تعیین شده به طور مرتب است. در حال حاضر مبلغ ورودیه عضویت در انجمن صنفی روزنامه نگاران ۱۲ هزار تومان و مبلغ عضویت سالانه انجمن ۱۴ هزار تومان است. اعضایی که چنین شرایطی را دارند، می توانند در مجامع عمومی انجمن صنفی رای بدهند، اعضای هیات مدیره را مشخص کنند و نظرشان موثر باشد. اما انجمن صنفی روزنامه نگاران اعضای وابسته ای هم دارد. کسانی که سابقه کار حرفه ای آنان کمتر از سه سال است، می توانند عضو وابسته باشند و از کلیه حقوق و حمایت های انجمن برخوردارند اما فقط نمی توانند در مجمع عمومی شرکت کنند. با این توصیف ها می توان گفت فردا باید حدود بیش از ۹۰۰ تن عضو رسمی انجمن صنفی برای تعیین هیات مدیره در سالن اجتماعات حاضر باشند. انتخابات هیات مدیره و نیز انتخابات بازرسان با رای کتبی و مخفی انجام می شود.

عکس: مهدی حسنی، شرق

■ هیات مدیره چند نفر است؟

اساسنامه انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در سال ۱۳۷۶ به تصویب اولین مجمع عمومی رسید. تا به حال سه دور انتخابات هیات مدیره برگزار شده و اینک نوبت انتخابات چهارم رسیده است. انتخابات هیات مدیره و بازرسان هر سه سال یک بار همزمان با مجمع عمومی برگزار می شود.

هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران شامل هفت تن و سه عضو علی البدل و تعداد بازرسان آن نیز سه بازرس و دو بازرس علی البدل است. برای انتخابات هیات مدیره فردا ۴۵ عضو و برای انتخابات بازرسان ۲۳ نفر نامزد شده اند. نامزدها باید چند شرط داشته باشند. مهمترین آن داشتن دست کم ۲۰ سال تمام سن و پنج سال سابقه کار و نیز داشتن سواد است. در هیات مدیره ۷نفره انجمن صنفی روزنامه نگاران چهار نفر به عنوان رئیس، نایب رئیس، دبیر و خزانه دار مشخص می شوند. جلسات این هیات با حضور دست کم دوسوم اعضا رسمیت پیدا می کند. هیات مدیره انجمن وظایف و اختیاراتی دارد که افتتاح و یا بستن حساب در بانک ها، خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول مشروط بر آن که به منظور جلب منافع نباشد، حضور در مراجع حل اختلاف به نمایندگی از سوی اعضا و دفاع از حقوق آنان و تاسیس و تقویت شرکت های تعاونی و ایجاد امکانات رفاهی برای اعضای انجمن از این جمله است. در دوره فعلی رجبعلی مزروعی (سرمایه) رئیس هیات مدیره، ماشاءالله شمس الواعظین نایب رئیس (روزنامه نگار آزاد)، بدرالسادات مفیدی (شرق) دبیر و بهروز گرانپایه (روزنامه نگار آزاد) خزانه دار است. علیرضا رجایی (روزنامه نگار آزاد)، مسعود هوشمندرضوی (روزنامه نگار آزاد) و مینو بدیعی (ماهنامه صنعت) نیز دیگر اعضای هیات مدیره انجمن بوده اند. در اوایل دوره سوم هیات مدیره انجمن صنفی حسین باستانی و سعید رضوی فقیه عضو هیات مدیره بوده اند که با رفتن به خارج از کشور از عضویت انجمن خارج شدند و به جای آنها بهروز گرانپایه و مینو بدیعی اعضای اول و دوم علی البدل وارد هیات مدیره شدند. در حال حاضر تنها فرزانه روستایی (شرق) عضو علی البدل هیات مدیره است. بازرسان انجمن صنفی نیز عذرا فراهانی (روزنامه نگار آزاد)، افشین امیر شاهی (همشهری) و ابوالحسن مختاباد (همشهری) هستند. بازرسان علی البدل نیز رامین رادنیا (شرق) و هوشنگ صدفی (همشهری) هستند.

■ نامزدهایی به تعداد نیاز

نامزدهای انتخابات فردا تا روز ۳۱ خرداد ماه فرصت داشتند برای انتخاب شدن به عنوان عضو هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران ثبت نام کنند. اگر فردا جلسه مجمع عمومی با حضور نیم به علاوه یک اعضای انجمن رسمیت پیدا کند، اعضای دارای حق رای خواهند توانست با همراه داشتن کارت عضویت علاوه بر رای خود وکالت تنها یک عضو دیگر را برعهده داشته باشند و به جای او نیز رای دهند. البته باید وکالت نامه ها، مکتوب و تا ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مجمع عمومی به دفتر انجمن صنفی تحویل داده شده باشد. انتخابات هیات مدیره دوره چهارم انجمن صنفی همچون انتخابات گذشته است. برخی از روزنامه نگاران عضو انجمن و نامزدهای هیات مدیره از رقابت بین روزنامه نگاران در دو جریان مختلف خبر می دهند. ۴۵ نامزد هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران را می توان به سه دسته تقسیم کرد. یک دسته شامل روزنامه نگاران طیف اصلاح طلب، دسته مقابل روزنامه نگاران طیف جناح اصول گرا و دسته سوم نیز روزنامه نگاران طیف مستقل و حرفه ای. البته هر سه دسته بر صنفی بودن و صنفی ماندن عملکرد انجمن صنفی تاکید دارند تا منافع مشترک روزنامه نگاران در طیف های مختلف به دور از نگاه های سیاسی و اجتماعی حفظ شود. اساسنامه انجمن نیز بر صنفی بودن فعالیت انجمن به دور از تعلقات فکری تاکید دارد. با این حال داغ ترین بحث این روزهای انتخابات انجمن صنفی رقابت بین روزنامه نگاران اصلاح طلب، اصول گرا و مستقل ها برای ورود به هیات مدیره است. تجربه نشان داده است که در دو دوره قبل تعداد حاضران در نشست اول مجمع عمومی به حد نصاب نرسیده است. به خصوص آنکه تعدادی از اعضای این انجمن را روزنامه نگاران شهرستانی تشکیل می دهند که برایشان حضور در تهران دشوار است. شاید اگر فردا هم جلسه به حد نصاب نرسد، این رویکرد به یک سنت تبدیل شود. یک نکته دیگر نیز معمولاً در انتخابات هیات مدیره مطرح است و آن اینکه به علت آزاد بودن انتخابات و روابط صمیمانه و نزدیک اکثر روزنامه نگاران با یکدیگر در طیف های اصول گرا، اصلاح طلب و مستقل، صرف روزنامه‌ای که نامزدها در آن مشغول به کار هستند ملاک انتخاب اعضا نیست و روابط شخصی و دوستانه نیز در آن دخیل است.

فردی با جعل عنوان کارمند عالی رتبه مجمع تشخیص اقدام به کلاهبرداری کرد

گروه اجتماعی: ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران موفق به دستگیری متهمی شدند که با جعل عنوان کارمند عالی رتبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام به سرقت کرده بود. سرهنگ داود سلطانی معاون دایره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی تهران در تشریح چگونگی این کلاهبرداری گفت: ماجرا از آنجا آغاز شد که چندی پیش فردی به کلانتری ۱۰۸ نواب رفت و طی شکایتی به پلیس گفت: شخصی به هویت هومن حدود ۳۱ساله که مدعی بود یکی از کارمندان عالی رتبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است، با من طرح دوستی ریخت.

شاکی در ادامه گفت: پس از گذشت مدت زمانی از دوستی مان، به دلیل برخی مشکلات مالی، نیاز فراوانی به استخدام شدن در اداره‌ای معتبر داشتم.

از این رو زمانی که موضوع را با هومن در میان گذاشتم در پاسخ به من گفت: «برای انجام این کار باید پول خرج کنی.» بدین ترتیب یک دستگاه خودرو ۲۰۶ و ۲۰ میلیون تومان پول به هومن تحویل دادم. او نیز برای جلب اطمینان خاطر، یک برگه حکم تردد در محدوده ترافیک، یک کارت شناسایی جعلی و یک کارت حمل سلاح به من داد و پس از این نیز دیگر خبری از او نشد، تا اینکه متوجه شدم فرار کرده است.

با اظهارات این شاکی، عوامل پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران با توجه به اهمیت موضوع پس از اخذ مجوز قضایی، تحقیقات خود را از شاکی ادامه دادند تا سرانجام موفق به شناسایی مکان و پاتوق های هومن (مرد کلاهبردار) شدند بدین ترتیب متهم به کلاهبرداری، از سوی عوامل پایگاه سوم دستگیر شد و تحقیقات از وی آغاز شده است.

حادثه‌ای که در مرودشت رخ داد

دو زندانی بعد از کشتن مامور و راننده متواری شدند

شرق: دو زندانی خطرناک زندان عادل آباد شیراز که برای برگزاری جلسه محاکمه به دادگاه منتقل شده بودند پس از پایان جلسه با اسلحه به سوی ماموران زندان تیراندازی کرده و با قتل یک مامور و یک راننده از محل گریختند.

این دو زندانی به نام های کاظم و موسی روز ۱۲ تیرماه به اتهام قتل مسئول گروه مقاومت بسیج گرم آباد مرودشت و چندین فقره سرقت و کلاهبرداری توسط سه مامور زندان عادل آباد شیراز به دادگاه منتقل شدند.

بعد از پایان جلسه محاکمه هنگامی که دو متهم به همراه سه مامور زندان سوار بر خودروی پیکانی بودند، ناگهان در میدان عاشورای مرودشت زندانیان با استفاده از یک قبضه کلت کمری به سوی ماموران شلیک کردند و با شلیک گلوله دستبندهای خود را باز کرده و متواری شدند.

در اثر این حادثه استوار یکم فرهاد مهبودی به شهادت رسید و استوار یکم کامبیز رزمجویی و استوار دوم اکبر رزمجویی مجروح شدند.

همچنین راننده یک پیکان وانت که برای کمک به ماموران از خودرواش پیاده شده بود مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد. مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی فارس با تایید این خبر اعلام کرد: هم اکنون پلیس در تلاش است تا دو متهم فراری را شناسایی و دستگیر کند. کوتاهی و سهل انگاری ماموران در بدرقه دو متهم هم توسط مراجع ذی صلاح در دست پی گیری است.

رمان نویس مشهور تقاضای طلاق کرد

گروه اجتماعی، الهه فراهانی: یک زن رمان نویس مشهور که با یکی از خوانندگان کتابش ازدواج کرده بود، صبح دیروز به دادگاه خانواده تهران رفت و تقاضای طلاق از شوهرش را مطرح کرد.

این زن رمان نویس صبح دیروز در راهرو دادگاه خانواده ۲ تهران درخصوص ماجرای زندگی اش به خبرنگار شرق گفت: «۲۶ساله هستم و در یک خانواده متوسط به دنیا آمدم. چند سال پیش پدرم در اثر سانحه رانندگی جانش را از دست داد. بعد از مرگ پدرم اوضاع زندگی مان به هم ریخت. وضع مالی مان خیلی خراب شد و من تصمیم گرفتم که درسم را بخوانم و کار مناسبی پیدا کنم تا اوضاع زندگی مان بهتر شود.»

این زن ادامه داد: ۶ سال پیش در رشته ادبیات پذیرفته و وارد دانشگاه شدم. بعد از اینکه مدرک لیسانسم را گرفتم به کلاس های داستان نویسی رفتم و دو سال پیش موفق شدم اولین کتابم را چاپ کنم. کتاب اولم به چاپ یازدهم رسید و زندگی ام از این رو به آن رو شد. از طرفی بسیار معروف شدم و بیشتر خبرنگاران درخصوص کتابم با من مصاحبه می کردند.

بعد از مدتی دومین کتابم هم به چاپ رسید و من به اوج خود رسیده بودم. وضع مالی ام خیلی خوب شده بود. حتی کارگردانی از من خواسته بود که برایش فیلمنامه بنویسم و من هم بیشتر وقتم را صرف نوشتن فیلمنامه کرده بودم. تا اینکه یک روز پسر جوانی با تلفن همراهم تماس گرفت و خودش را کارمند کشتیرانی معرفی کرد. او گفت که کتاب هایم را می خواند و عاشقم شده است. درباره زندگی ام از من پرسید و وقتی متوجه شد که مجرد هستم از من خواهش کرد که با او قرار ملاقات بگذارم. او با چرب زبانی مرا خام کرد و گفت که دوست دارد با یک نویسنده مشهور به گردش و تفریح برود. از طرفی می گفت برای دیدن من لحظه شماری می کند و... حرف های این پسر مرا اغفال کرد و من با او قرار ملاقات گذاشتم.

آن روز پسر جوان مرا به رستورانی برد و با هم شام خوردیم.

به من گفت که چندین بار کتاب هایم را خوانده و به من علاقه مند شده است.

او با دیدن من بسیار تعجب کرد می گفت با اینکه مرا ندیده بود، اما همیشه چهره مرا در خواب می دیده است و...

شیرین زبانی های او مرا به رویاهای زندگی ام برد. کم کم متوجه شدم که به او علاقه مند شده ام. با هم به مهمانی، گردش و تفریح می رفتیم. اخلاق و رفتارش در آن موقع بسیار خوب بود و با خود می گفتم دیگر بهتر از این، پسری نیست و دختر خوش شانسی هستم که بعد از مرگ پدرم و آن بدبختی ها، شانس به من روکرده بود، کتاب هایم طرفداران بسیاری در میان جوانان پیدا کرده بود. وضع زندگی ام تکان خورده بود، زن مشهوری شده بودم و در آخر آشنایی با این فرد را هم یک خوشبختی بزرگ در زندگی ام می دیدم.

مدتی بعد او به من گفت که قصد دارد به همراه خانواده اش به خواستگاری ام بیاید.

از خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدم. احساس می کردم در دریای خوشبختی زندگی می کنم. اما برخلاف تصورم وی برای من یک قصر کاغذی ساخت که در دریای زندگی غرق شدم و...

این زن نویسنده در ادامه گفت: این فرد به همراه خانواده اش به خواستگاری ام آمد و بعد از مدتی با هم ازدواج کردیم. خودم را زنی خوشبخت حس می کردم اما دوران خوشبختی ام کوتاه بود. اوایل زندگی خوبی داشتیم.

از طرف یکی از انجمن ها یک اتومبیل پراید به من هدیه دادند. وی از من خواست که عشقم را به او ثابت کنم و این ماشین را به او هدیه بدهم. من هم برای اینکه دوست داشتنم را به او ثابت کنم ماشین را به او هدیه دادم اما نفهمیدم وحید آن ماشین را چه کار کرد تا بالاخره دستش رو شد...

بعد از مدتی هم یک آپارتمان خریدیم و او مثل همیشه با شیرین زبانی گفت که در زندگی مشترک زن و مرد با هم فرقی ندارند. سند خانه را به اسم من بزن. من هم گول حرف هایش را خوردم و آپارتمان را به اسم او خریدم. شوهرم چون در کشتیرانی کار می کرد، هر چند وقت یک بار به ماموریت می رفت و در ماه دو هفته از او خبری نداشتم. من ساده لوح هم فکر می کردم که برای زندگی مان زحمت می کشد.

کم کم اخلاق و رفتارش تغییر کرد. در واقع چهره اصلی اش رو شد.

دو هفته ماموریت بود و وقتی برگشت از او خواستم که مرا به مسافرت ببرد. زندگی مان یکنواخت شده بود. من و شوهرم از هم فاصله گرفته بودیم اما وقتی به او گفتم که به یک مسافرت خارج از کشور برویم با عصبانیت مرا به باد کتک گرفت. شوکه شدم. او که تا به حال با مهربانی با من رفتار می کرد، چنین رفتاری غیرقابل منطق بود. با خود گفتم که کار زیاد خسته اش کرده و من باید در زندگی گذشت داشته باشم. اما خشونت هایش بیشتر شده بود. بیشتر اوقات که در خانه نبود و وقتی هم که برمی گشت آنقدر بداخلاقی می کرد که دوست داشتم زودتر از خانه بیرون برود. دیگر نمی توانستم او را تحمل کنم. با خود می گفتم مگر می شود یک انسان این گونه تغییر چهره دهد. می دانستم اتفاقی افتاده و سرانجام یک شب که به شوهرم اعتراض کردم که چرا نسبت به زندگی بی اهمیت شده است حرف های عجیبی گفت که هنوز هم نمی توانم باور کنم که چنین بلایی بر سرم آمده. من که برای خودم کسی شده ام، یک پسر چنین زندگی مرا به تباهی کشاند. شوهرم آن شب گفت که از ۱۸ سالگی دختری را دوست داشته اما چون وضع مالی اش خوب نبوده نمی توانسته با او ازدواج کند او اصلاً کارمند کشتیرانی نبود و به من دروغ گفته بود. در واقع هیچ وقت مرا دوست نداشته و چون می دانسته من دختر ثروتمندی هستم می خواست از من سوءاستفاده کند...

دنیا دور سرم چرخید. شوهرم چند ماه پیش با معشوقه اش ازدواج کرده بود و برایش آپارتمانی خریده بود. همچنین همان ماشینی که من به او هدیه داده بودم را به همسرش داده بود. او به بهانه ماموریت به خانه زنش می رفت و... وقتی این حرف ها را شنیدم چند روزی حالم بد بود به خانه مادرم رفتم و پس از مشورت به دادگاه خانواده آمدم و درخواست طلاق دادم. او هم حاضر نیست دیگر با من زندگی کند چون اصلاً دوستم ندارد. در واقع من برای او پلی بودم تا به آرزوهایش برسد. اکنون هم به کسی که دوستش داشته رسیده و زندگی خوبی برایش فراهم کرده است. از او پرسیدم: می توانستی به اتهام فریب در ازدواج از او شکایت کنی؟ زن شکست خورده در پاسخ به سئوال خبرنگار شرق گفت: او مرا بازی داد اما روزگار از او انتقام می گیرد. من هم سرم را با کارم گرم می کنم. قصد دارم داستان زندگی ام را در قالب یک رمان بنویسم و به زودی چاپ می شود.

۲۲۰۵۳۳۷۲ — مردمک

نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir
پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir

ماجرای آجیل جام جهانی

فریبرز بختیاری اصل: می گویند وقتی میرزا حسن مستوفی الممالک در اواخر دوره احمدشاه قاجار رئیس الوزرا بود کابینه اش توسط مجلس وقت استیضاح شد. وی طی نطقی در مجلس شورای ملی گفت: «من چون اهل آجیل دادن و آجیل گرفتن نیستم و معده ام برای خوردن آن مساعد نیست می روم.» و بدین ترتیب عمر دولت وی به سر آمد. در یکی از شهرهای شمال کشور بر سردر مغازه‌ای پارچه نوشته ای آویزان بود که روی آن با خطی خوش و نستعلیق و با چند رنگ مختلف نوشته بود «آجیل مخصوص جام جهانی». می دانستم خیلی از هموطنان موقع تماشای بازی های جام جهانی فوتبال مخصوصاً وقتی که پای تیم ملی ایران در میان بود برای رفع اضطراب یا عادت و تفنن پای تلویزیون تخمه می شکستند و اسم انواعی از آجیل ها مثل آجیل مشکل گشا، آجیل شب چهارشنبه سوری، آجیل عید و آجیل مستوفی و... را هم شنیده بودم. ولی با اصطلاح یا عبارت «آجیل مخصوص جام جهانی» اولین بار بود برخورد می کردم. وقتی در ذهنم ماجرای مستوفی و ابتکار این هموطن خوش ذوق شمالی را مرور می کردم به این فکر افتادم که کاش «جام جهان نمایی» یا «جام جمی» در کنار این جام جهانی داشتیم تا ببینیم بالاخره چه کسی معده قوی ای برای هضم آن آجیل داشته و دارد و چه کسی مثل مرحوم مستوفی اهل آجیل نبوده و نیست. مشکل چه کسی را این آجیل گشوده و چه کسی را مانند آتش سوزی های شب چهارشنبه آخر سال بریان کرده است و سرانجام زیاد خوردن آن چه کسی را مثل آجیل شب عید به «رودل» مبتلا خواهد کرد. به قول مفسر تلویزیونی: «عجب آجیلی بود... این آجیل جام جهانی...»

بعد از ۱۰۶ روز هنوز حقوق نگرفته ایم

جمعی از پرسنل قراردادی وزارت کشور هستیم. در چند سال گذشته سهل انگاری شرکت پیمانکاری طرف قرارداد (شرکت پشتیبانی کوک خدمات) باعث شده تا کارکنان قراردادی این مجموعه دو الی سه ماه اول هر سال بیمه نشوند و حقوق آنها پرداخت نشود. هم اینک با گذشت ۱۰۶ روز از سال ۱۳۸۵ هنوز حقوقی دریافت نکرده ایم و حق بیمه فروردین و اردیبهشت ماه ما نیز پرداخت نشده است. جالب تر اینکه اگر کسی جسارت داشته باشد و لب به اعتراض بگشاید یا با بی اعتنایی مسئولان مواجه شده و یا از کار اخراج می شود.

بودجه شهرداری از کجا تامین شده است

علی پرتوی از شهرکرد: در صفحه ۳۰ روز شنبه ۳ تیرماه به نقل از آقای حسین محمد پورزرندی معاون مالی و اداری شهرداری تهران آمده بود شهرداری روزانه به ازای هر نفر حدود ۲۰۰ تومان صرف هزینه های جاری و نگه داشت سطح موجود می کند. حال اگر جمعیت شهر تهران را هفت میلیون نفر در نظر بگیریم متوجه می شویم شهرداری مبلغ ۵۱۱ میلیارد تومان برای شهروندان تهرانی هزینه کرده است که مبلغ بسیار زیادی است. از طرفی ایشان بحث مشخص نبودن وضعیت ۳۰۰ میلیارد تومان هزینه صرف شده در شهرداری پیشین را مطرح کرد که از سال ۶۳ شهرداری تمام هزینه های خود را بدون کمک دولت تامین می کند. حال جای سئوال است که این همه بودجه از کجا تامین شده است؟

ناهماهنگی در اجرای طرح تردد خودروهای جانبازان

اخیراً طرح صدور کارت ویژه جانبازان قطع نخاعی در جریان است. این طرح با دقت و زحمت زیادی در حال اجرا است ولی متاسفانه بر اثر عدم هماهنگی ای که بین مسئولان راهنمایی و رانندگی و بنیاد شهدا و ایثارگران دیده می شود ماموران راهنمایی و رانندگی خودروهای جانبازان قطع نخاعی را که دارای آرم در شیشه جلو و عقب هستند، جریمه می کنند. از طرفی مکان هایی که مخصوص پارک خودروهای جانبازان و معلولان است به وسیله خودروهای فاقد آرم اشغال شده است. پس از ۱۷ سال هنوز اماکن بسیاری در شهر تهران فاقد شیب بوده و بسیاری از پیاده روها و پارک ها نیز برای استفاده از جانبازان نامناسب است. که این باعث شده اکثر کسانی که با ویلچر تردد می کنند در خانه های خود محبوس بمانند. از مسئولان محترم بنیاد شهدا و ایثارگران خواهشمندیم با هماهنگی مسئولان نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی اجرای هرچه بهتر این طرح را خواستار شوند تا جانبازی که با زحمت فراوان این آرم و برگ تردد را دریافت می نماید از مزایای قانونی آن بهره مند شود.

فاصله میان نسل ها

از شهرستان رباط کریم تماس می گیرم. در حال حاضر بسیاری از پدرها و مادرهای جامعه ما نمی دانند چگونه با فرزندان ۱۸ الی ۲۵ سال خود رفتار کنند. من سه فرزند دانشجوی ۱۸، ۲۰ و ۲۳ ساله دارم و این قدر بین خواسته های آنها و آنچه من می پسندم تفاوت نظر وجود دارد که گاهی اوقات نمی دانم چه کار کنم؟ من خودم ۵۰ سال دارم، شاید بسیاری از مشکلات جوانان ما با پدر و مادرهایشان به خاطر همین فاصله ای است که میان نسل ها افتاده است. از روزنامه شرق تقاضا می کنیم همان طور که مقاله هایی درباره چگونگی تربیت بچه های ۸ و ۱۰ ساله چاپ می کند مقاله هایی نیز درباره چگونگی رفتار والدین با فرزندان نوجوان و جوان خود چاپ کند.